

آیلتس کپسول |
پادکست شماره:
002
موضوع: چاله
چاله های
اسپیکینگ

چاله چوله‌های اسپیکینگ

تهیه:
علی شیروی
مسعود فروهر

FADE IN:

چاله‌چوله‌های اسپیکینگ

توضیحات آغازین صحنه

علی

امروز میخواهیم با یکی از ترسها و البته آرزوهای بزرگ هر زبان آموزی صحبت کنیم . مهم نیست که مشغول یاد گرفتن انگلیسی باشید یا هندی یا زبان elvish در ارباب حلقه ها... همه ما دوست داریم در مسیر یادگیری زبان به هر نیت و مقصودی بتونیم اون زبون رو نه حالا مثل بلبل اما مثل آدمیزاد حرف بزنینم. امروز هم مسعود فروهر با ماست و قراره درباره چاله چوله های حرف زدن یا به قول شما اساتید اسپیکینگ حرف بزنه... همین جا سر بسته بگم که خود اطلاع دارم که مسعود خودش الان در مراحل شروع یاد گرفتن یکی دو تا زبان دیگه است... حدس میزنم خودش تو چاله چوله های زیادی افتاده ... از چاله چوله های اسپیکینگ بگو برامون مسعود

مسعود

سلام و وقت بخیر... به همه دوستانی که اون بیرون صدای من رو از استودیوی آیلتس کپسول می شنون... بی معطلی برم سر اصل مطلب.... همه ما با تجربه تپق زدن و ترس از حرف زدن و کلا سروکله زدن با اسپیکینگ آشنا هستیم ... دلایل

زیادی پشت این موانع و ترس های ذهنی وجود داره... البته دلم میخواد بگم چاله چوله... تا مانع ... امروز میخوام درباره این چاله چوله ها کمی برای بچه ها حرف بزنم...

علی

چاله چوله... تعبیرجالبیه ... یکی از چالش های بزرگ ما در کپسول های آموزشی هم همین داستان اسپیکینگ و مهارت تولید جمله است در واقع ... تدریس اسپیکینگ و در ادامه تشویق به حرف زدن و گرفتن بازخورد بخش زیادی از انرژی ما و زبان آموزها رو میگیره ... از قضا ما بیشترین وقت و دقت رو هم در پکیج های اسپیکینگ صرف کردیم... خوب مسعود بگو ببینیم چاله چوله ها چیا هستن؟

مسعود

بله متاسفانه؛ من هم درگیریهایی مشابه با تدریس اسپیکینگ و گرفتن فیدبک مناسب از زبان آموزان داشتم. تجربه شخصی من بعد از حدود یک دهه سروکله زدن با انواع زبان آموزان با تیپ های شخصیتی مختلف میگه که همه این افراد در چند مورد یا چاله اشتراک دارند. تیتروار اگر بخوام اشاره کنم میشن:

1. من نمیتونم قواعد گرامری رو به خاطر بسپارم یا به یاد بیارم
2. می ترسم موقع حرف زدن اشتباه کنم
3. من کسی رو ندارم باهش حرف بزنم
4. تلقین این موضوع که برای یادگیری حرف زدن زیادی سنم بالاست
5. تقویت مهارت اسپیکینگ فقط با سفر و در محیط بودن محقق میشه

جالب اینه که نه تنها شاگردهای خودم .. بلکه در برهه ای در زندگی حرفه ای و تحصیلی خودم هم با چالش حرف زدن و اسپیکینگ در نوجوانی دست به یقه بودم...

برگردم به بحث؛

قدم اول اینه که ترس خودتون رو بشناسید... چاله ای که الان توش افتادید یا ممکنه بیفتید رو شناسایی کنید. برای رفتن به جلو باید اول بتونید خودتون رو از چاله بالا بکشید...

علی

همینطوره. شما تنها نیستید. پیش از ضبط این برنامه با مسعود درباره تعبیر این موانع ذهنی به چاله چوله حرف می زدیم و به نتایج جالبی رسیدیم. به جمع شمار زیادی از زبان آموزان پیوستید که می خواهند کم کم شروع کنند به حرف زدن و یکبار برای همیشه با کپسول آموزشی درست قال اسپیکینگ رو بکنن و برن به زندگی شون برسن. در پادکست قبلی مسعود ما رو با اصطلاح جالب پتک هدفشکن آشنا کرد.. از مسعود میخوام که این پتک رو این بار بزنه به این موانع اسپیکینگ و کمی موضوع رو برای ما بشکافه... موضوع رو بترکونه

مسعود

بله... اینجا دیگه پتک لازم شدیم... برم سراغ اولین چاله پیش روی ما برای تقویت اسپیکینگ. خیلی می‌گن نمیتونن قواعد گرامری رو به خاطر بسپارن یا موقع حرف زدن به خاطر بیارن. یه چیزی بهتون بگم هیچ کس .. تاکید میکنم هیچ کس قرار نیست و نمیتونه که همه قواعد گرامری رو به خاطر بسپاره یا به یاد بیاره. هدف ما از آموختن یک زبان این نیست که فقط بیاییم قواعد دستور و گرامر رو یاد بگیریم. یادتون باشه هدف از یادگیری زبان اینه که کلماتی یاد بگیریم که به ما کمک کنه با دیگران ارتباط برقرار کنیم یا نیاز ما رو برای خواندن و درک متن و نوشتن اون برطرف کنه. بچه ها یادتون باشه برای استفاده از زبان قرار نیست گرامر ما بی نقص و پرفکت باشه... حتی اصلا نیاز نیست به بی نقص بودن در کاربرد گرامر نزدیک بشیم.

علی

به نکته جالبی اشاره کردی مسعود . همین ترس فلج کننده از اشتباه کردن و درگیر شدن در گرامر دقیقتر بگم افتادن در چاله گرامر زبان آوزان رو بیچاره کرده.

بچه یکی از کارهای مورد مسعود کار تو حوزه بین الملل و سفر با تیمهای ورزشی و تعامل با آدمهای مختلف از ملیت های مختلفه که برای کارشون انگلیسی حرف میزنن... دلم میخواد از مسعود در این باره پرسیم.. به نظرم این آدم های دیگه هم با این چالش.. یا چاله درگیر هستن.

مسعود

بله.. تجربه من در سفرهام و تعامل با آدمهای مختلف که زبان انگلیسی رو به عنوان زبان کار و تحصیل به کار می‌برن اینه که آدم هایی که در این راه موفق شدن در یک چیز مشترک بودن: نترسیدن از اشتباهات گرامری... به همین سادگی ... جالبه بهتون بگم من خودم از نزدیک و بیواسطه شاهد بودم که حتی کسانی که native زبان بودن و به اصطلاح بچه ناف لندن... اونا هم گاهی ایرادات گرامری داشتن... من خودم یادم میاد سر تهیه کردن یه رپورت در یک کنفرانس در مبحث رعایت پاراللها از یه نیوزیلندی غلط گرامری گرفتم... ممکنه کسی که زبان مادری اش انگلیسه هم کل گرامر رو ندونه و کلی چاله چوله دستوری داشته باشه.

علی

بله. من خودم هم یکی دو تا تجربه اینطوری دارم در سفرهایی که داشته ام. و جالب اینه که اونا اصلا براشون اهمیت نداره و به قول خودشون I don't care at all و به کارشون ادامه میدن .. خیلی نکته مهمیه واقعا این ترس از گرامر تبدیل میشه گاهی به ترس از ارتکاب جنایت ... زبان آموز رو فلج میکنه...

ما در کپسول‌هایی که به روانشناسی یادگیری زبان و آمادگی آزمون‌های انگلیسی می پردازن مفصل در این باره حرف خواهیم زد.

(Parenthetical information)

مسعود

آفرین.. بچه یادتون باشه گرامر وسیله است نه هدف... پلیس گرامر نباشید... نه برای خودتون و نه برای دیگران ... یکی از حسن های کپسولهای زبان ما هم همینه که ما با زبان آموز بازی دزد و پلیس گرامری نمیکنیم و فقط چیزی رو که به کارشون میاد در کپسول های آموزشی خودآموز زبان گنجانیدم

علی

یاد جملات قبل آغاز ضبط پادکست افتادم مسعود.... بچه ها مسعود تا رسید به استودیو به من گفت علی من یه جمله میگم و تو فرض کن من تازه کارم و جمله ام رو اصلاح کن. یادته جملات مسعود؟

مسعود

(خنده) آره ... بذار دوباره بگم:

I last night drank a coffee

علی

مسعود جان جملات رو اگر تغییر بدی به I drank a cup of coffee last night

به نتایج بهتری میرسی

(Parenthetical information)

مسعود

دقیقا علی ... همین... همین چند ثانیه اندازه یک ساعت سر و کله زدن با زمان گذشته ساده و فعل نوشیدن و قید زمان و ترتیب کلمات و ساختار جمله در کتاب گرامر برامون وقت خرید. من یه جمله گفتم گرچه با غلط... اما تو متوجه منظورم شدی و موضوع رو گرفتی.... توی کپسول ها هم چنین رویکردی داریم... با مشاهده و دقیق شدن در محتوای آموزشی کپسول ها به صدها نکته مشابه بر میخوری بدون اینکه درگیر دریای گرامر و دستور بشی.

علی

حرف مهمیه.... بچه ببینید... داستان اینه که شما حتی با داشتن غلط های گرامری میتویند همچنان از زبان استفاده کنید و منظور رو منتقل کنید و آروم

آروم به حرف زدنتون سرعت بدید و با مراجعه به کپسول خودآموز درست از اشتباهات گرامری تون کم کنید. اصلا کار سختی نیست.

مسعود

آره خلاصه وقت خودتون رو با کشتی گرفتن با کتاب های ده کیلوی گرامر و کلنچار با زمان ها و قواعد گرامری تلف نکنید... نمیگم این منابع خوب نیستن.... میگم حفظ کردن اینا باعث نمیشه بتونید زبان رو به خوبی حرف بزنید. اتفاقا عمیقا درگیر شدن در این سبک منابع به شما حس عدم امنیت یا insecurity میده و این اصلا خوب نیست. نترسید. اشتباه کنید.

علی

آره. مسعود خیلی زیرپوستی چاله بعدی رو هم مطرح کرد... نمیدونم دقت کردید یا نه ترس... ترس از اشتباه.. مسعود آخه مگه میشه آدم از اشتباه نترسه ... این خودش چاله که چه عرض کنم... دره است... چیکار کنیم با این ترسه؟

مسعود

باترس باید رو به رو شد... راحت ترین روش هم اشتباه کردنه... من میگم بچه ها تا میتونید اشتباه کنید اما اشتباه رو رها نکنید.... اشتباه کردن اتفاقا خیلی هم خوبه... خوب که چه عرض کنم عالیه... عالی.... هرچه بیشتر اشتباه کنید و در سایه این اشتباهات برگردید به منابع خودآموزی تون، بهتر نتیجه می گیرید. اشتباه بیشتر... یادگیری بهتر ... همه اشتباه میکنن... همیشه هم اشتباه می کنن... از ذات اشتباه فراری نیست... به قول دهه هشتادیا روی اشتباهاتون قفلی نزنید و حس بد نداشته باشید و مهمتر از همه ... دوباره تاکید کنم... از اشتباه نترسید...

علی

یادم میاد یه جلسه حضوری داشتم با یکی دو تا از بچه ها که کپسول های خودآموزی آیلنس ما رو گرفته بودند... یکی شون از میگفت بعد دیدن کلیپ های آموزشی و خوندن محتوا... وقتی خودش میخواست تمرین کنه... صداش آروم میشد و عرق میکرد و هی نگران بود که اشتباه کنه.. میگفت گاهی جوابها رو زیر لب میگفت در حالی که باید خیلی محکم و بلند حرف میزد ... مشخص

بود که این دوست ما میترسیده از اشتباه کردن و خودش رو انداخته بوده توی
یه چاله بزرگ و حالا ازش نمیتونسته بیرون بیاد ...

مسعود

آره ... یا اون یکی دوست مون که براش پاییز پارسال دو سه تا پکیج آموزشی
فرستاده بودیم و صدای از پشت تلفن تو بازه بالای 120 دسیبل به گوش آدم
میرسید. زبانش واقعا خیلی جای کار داشت وقتی با واحد مشاوره تماس گرفته
بود... اما آدم سخت کوشی بود... میشد از پشت تلفن این رو تشخیص داد ...
خیلی پیگیر بود که حتما ازش تلفنی یه تعیین سطح کنیم.. نمیخوام بگم فاجعه
بود... واقعا جای کار داشت... ولی یه صفتی داشت... اصلا بمب اعتماد به نفس
بود و از گفتن جملات عجیب غریب واهمه نداشت... اشتباه کردن اندازه نفس
کشیدن براش عادی بود... ترس نداشت... کلمات رو جلو عقب میگفت اما می
گفت.. جالب اینه که تقریبا 90 درصد معنا و مفهوم رو میرسوند... دم عید بچه
های مشاوره گفتن فلانی زنگ زد تبریک عید گفت... اسمش سینا بود...
مشخص بود انگلیسی یاد گرفتن براش هم هدف بوده و هم یه سرگرمی...یه جور
fun هدفمند.

علی

آره یادم اومد... بچه هدف داری بود... اگه یادت باشه از گرافیک و لوگوی
کپسولها هم خیلی تعریف میکرد... حالا به نظرت فرق این دو زبان آموز چی
بود؟ از لحاظ چاله و اینا

(Parenthetical information)

مسعود

فرق این دو تا اولی از ترس اشتباه خودش رو دقیقا انداخته بود تو چاله... عوض این که از چاله
اشتباه کردن بپره ... یعنی خودش با پای خودش تو چاله شیرجه زده بود...
اما سینا برعکس عمل کرد... به سعی سماجت خودش اطمینان کرد و از
اشتباه نترسید... روی این نکته متمرکز شد که به طریقی و با هر بسامد
اشتباهی که هست فقط حرف بزوم و یواش یواش اشکالها و اشتباههام رو
شناسایی کنم ... من همیشه میگم زبان آموز زرنگ اونیه که اشتباه کنه...
اشتباه های قدیم رو اصلاح کنه تا فضا و فرصت برای اشتباه های جدید
ایجاد کنه... خودش رو در چاله منفی بافی و ترس از اشتباه نندازه ... از این
چاله درومدن کار آسونیه البته ...

علی

بچه ها من یکبار دیگه این چاله چوله های اسپیکینگ رو یادآوری کنم تا بدونیم الان
کجای کاریم

1. من نمیتونم قواعد گرامری رو به خاطر بسپارم یا به یاد بیارم
2. میترسم موقع حرف زدن اشتباه کنم

3. من کسی رو ندارم باهانش حرف بزدم
4. تلقین این موضوع که برای یادگیری حرف زدن زیادی سنم بالاست
5. تقویت مهارت اسپیکینگ فقط با سفر و در محیط بودن ممکن میشه

خوب حالا... بریم سر وقت چاله بعدی

Scene description

مسعود

چاله بعدی اینه که ما هی فکر میکنیم حتما باید یکی باشه باهانش حرف بزیم. حرف منطقی‌ایه. اما یادتون باشه... فارغ از اینکه کجا متولد شدید و جا زندگی و کار می‌کنید و چه قدر از شهرهای بزرگ دورید... باید بهتون بگم که اصلا نباید نگران باشید. حتما علی حرفهای زیادی درباره تیم توزیع کپسولهای خودآموز ما داره... و به موقع درباره‌شون حرف میزنه... اما من میخوام بگم شما دسترسی به گجت و لپتاپ و ... دارید ... از کپسول های آموزشی استفاده کنید.. وبسایت ما که داره روز به روز با محتوای جدید رشد میکنه هم منبع خوبی برای یادگیری زبانیه ... بچه ها تمرکز کنید روی کارهایی که میتونید انجام بدید نه کارهایی که نمیتونید. در عصر تکنولوژی و این دسترسی عجیب و غریب به منابع آموزشی دیگه زبان یاد نگرفتن فقط بهونه است. به فناوری اعتماد کنید... و پکیج آموزشی مناسب شرایط خودتون رو انتخاب کنید و کار رو شروع کنید.

علی

(Parenthetical information)

مسعود

بعضی مخاطبای ما گاهی میگوین برای یادگیری زبان زیادی پیر شدن... یا سنشون بالاست... این دیگه از اون حرفاست... آقا.. خانم توی این چاله سن و سال نیفتید. بچه‌ها من به عنوان کسی که در اوایل دهه چهارم زندگی هستم و دارم زبان یاد میگیرم و کلی شاگرد بین سنهای 40 تا 60 و بالاتر داشتم ... شما هیچ وقت برای یاد گرفتن چیزی پیر نیستید. محدودیت سنی برای یادگیری زبان و آمادگی برای آزمون های زبان... مثل همین آزمون آیلتس... اساسا معنی نداره ... ممکنه کمی با گذر سن کمی سختی پیش رو داشته باشیم اما یادمون باشه شما آماده میشید که با یه چالش دوست داشتنی سر و کله بزنید... چی بهتر از یادگیری زبان؟ یه نکته مهمی که باید به عنوان کسی که هم توی یادگیری و هم یاد دادن زبان دو سه تا تیشرت بیشتر ممکنه از شما پاره کرده باشم اینه که روی چیزهایی که نمیتونید الان یاد بگیرید یا یاد نگرفتید قفلی نزنید به اصطلاح نوجوان‌ها... عوضش ... روی آموخته‌ها و چیزهایی که یاد گرفته اید و دارید یاد میگیرید تمرکز کنید... همه ما میتونیم روزی فقط 3-4 تا لغت یاد بگیریم... همه ما میتونیم روزی حداقل یک پاراگراف بنویسیم... همه ما میتونیم روز 15-20 دقیقه وقت بگذاریم روی کپسولهای زبان... قدم های کوچیک بردارید... به قول علی..

بچه‌عادت های مفید یادگیری به دنیا بیارید... همین الان بعد از پادکست ... یه کاغذ بگذارید جلوتون و تمام کلماتی که بلدید و یا همین اواخر یاد گرفتید رو بنویسید... از چیزی که نمیدانید یا بلد نیستید... موقتا بگذرید... در چاله نیفتید ... گیر نکنید ...

علی

Scene description

مسعود

و چاله آخر... من شنیدم که خیلیا میگن اسپیکینگ فقط با سفر و در محیط بودن تقویت میشه. تا حدی درسته ... اما نه خیلی... اساسا سفر و ... مقوله دیگه‌ایه و با توجه به شرایطی که توش هستیم ممکنه جز انتخاب مسیرهای آموزشی خیلی از ماها نباشه... من خودم آدمهایی میشناسم که سالها در سفر بودن اما دانش زبانی شون در حد رزرو هتل و خرید جوراب و تاکسی گرفتن باقی مونده. آدمی میشناسم که راحت تا الان صد هزار کیلومتر سفر کرده اما هنوز در سطح مقدماتی و بخورنمیر زبان مونده... چرا چون درسته سفر رفته اما در راه یادگیری زبان تو چاله چوله هایی که امروز درباره‌شون صحبت کردیم افتاده.

(Parenthetical information)